

به نام خدا

مدرسه خلاق و نوآور؛ تقویت تفکر نقادانه، خلاقیت و نوآوری در محیط آموزشی

مولفان :

شیما چهره آزاد

معصومه معتقد حقیقی

زهره فرجامی لاری

مرضیه نراقی

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۵)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

Chaponashr.ir



سرشناسه : چهره آزاد، شیما، ۱۳۵۸
عنوان و نام پدیدآورندگان: مدرسه خلاق و نوآور؛ تقویت تفکر نقادانه، خلاقیت و نوآوری در محیط
آموزشی/ شیما چهره آزاد، معصومه معتقد حقیقی، زهرا فرجامی لاری، مرضیه نراقی
مشخصات نشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۵.
مشخصات ظاهری : ۱۰۴ ص.
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۱۲۹-۴۴۶-۶
شناسه افزوده : معتقد حقیقی، معصومه، ۱۳۵۵
شناسه افزوده : فرجامی لاری، زهرا، ۱۳۵۲
شناسه افزوده : نراقی، مرضیه، ۱۳۵۱
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
یادداشت : کتابنامه.
موضوع : مدرسه خلاق و نوآور-تقویت تفکر نقادانه-خلاقیت و نوآوری در محیط آموزشی
رده بندی کنگره : TP ۹۸۳
رده بندی دیویی : ۶۶۸/۵۵
شماره کتابشناسی ملی : ۵۶۹۸۲۱۳۵
اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیبا

نام کتاب : مدرسه خلاق و نوآور؛ تقویت تفکر نقادانه، خلاقیت و نوآوری در محیط آموزشی
مولفان: شیما چهره آزاد- معصومه معتقد حقیقی - زهرا فرجامی لاری - مرضیه نراقی
ناشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: الهام غفاری
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۵
چاپ: زبرجد
قیمت: ۱۸۰۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان :
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۱۲۹-۴۴۶-۶
تلفن مرکز پخش : ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



فهرست

پیشگفتار.....	۵
مقدمه.....	۷
فصل اول: بنیان‌های مدرسه خلاق و نوآور.....	۱۱
مفهوم مدرسه خلاق و نوآور.....	۱۳
نقش مدرسه در پرورش اندیشه و پرسشگری.....	۱۸
ویژگی‌های محیط آموزشی پشتیبان خلاقیت.....	۲۲
موانع رشد خلاقیت در نظام آموزشی سنتی.....	۲۶
فصل دوم: تقویت تفکر نقادانه در یادگیرندگان.....	۳۱
چیستی تفکر نقادانه و ضرورت آن در آموزش.....	۳۴
روش‌های پرورش پرسشگری و تحلیل در کلاس.....	۳۷
آموزش استدلال، داوری و ارزیابی شواهد.....	۴۲
نقش معلم در هدایت گفت‌وگوی نقادانه.....	۴۶
فصل سوم: پرورش خلاقیت در فرایند یاددهی و یادگیری.....	۵۵
راهبردهای شکوفاسازی ایده‌پردازی در دانش‌آموزان.....	۶۱
طراحی فعالیت‌های باز و مسئله‌محور.....	۶۴
استفاده از هنر، بازی و تجربه در آموزش خلاق.....	۷۰
ارزشیابی رشد خلاقیت در فضای آموزشی.....	۷۴
فصل چهارم: نوآوری در مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی.....	۸۱
بازآفرینی روش‌های تدریس در مدرسه.....	۸۵

طراحی محیط یادگیری انعطاف‌پذیر و انگیزه‌بخش	۸۷
پیوند مدرسه با خانواده و جامعه برای نوآوری	۹۰
الگوهای پایدار برای نهاده‌سازی فرهنگ نوآوری	۹۳
نتیجه‌گیری	۹۶
منابع	۱۰۳

پیشگفتار

در روزگاری که دگرگونی‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی با شتابی چشمگیر زندگی انسان را متحول ساخته است، نظام‌های آموزشی بیش از هر زمان دیگر با این پرسش بنیادین روبه‌رو هستند که مدرسه برای چه باید بیاموزد و چگونه باید بیاموزد. اگر در گذشته، انتقال محفوظات و انباشت اطلاعات از مهم‌ترین کارکردهای مدرسه به شمار می‌رفت، امروز این رویکرد دیگر پاسخ‌گوی نیازهای نسل جدید نیست. جهان معاصر به انسان‌هایی نیاز دارد که بتوانند بیندیشند، تحلیل کنند، پرسش بپرسند، ایده بیافرینند و برای مسائل پیچیده، راه‌حل‌های نو ارائه دهند. از این‌رو، مدرسه دیگر تنها محل آموزش دانسته‌ها نیست، بلکه باید به کانونی برای پرورش ذهن‌های پرسش‌گر، خلاق و نوآور تبدیل شود.

کتاب «مدرسه خلاق و نوآور: تقویت تفکر نقادانه، خلاقیت و نوآوری در محیط آموزشی» با چنین نگاهی شکل گرفته است؛ نگاهی که مدرسه را صرفاً یک نهاد آموزشی نمی‌داند، بلکه آن را بستری برای رشد همه‌جانبه انسان تلقی می‌کند. در این چارچوب، هدف آموزش فقط موفقیت در آزمون‌ها یا کسب نمره‌های بالاتر نیست، بلکه مقصود اصلی، تربیت دانش‌آموزانی است که توانایی فهم عمیق مسائل، داوری سنجیده، خلق ایده‌های تازه و مشارکت مسئولانه در جامعه را داشته باشند.

در میان مهارت‌های بنیادین مورد نیاز امروز، تفکر نقادانه جایگاهی ویژه دارد. این نوع تفکر به دانش‌آموز می‌آموزد که هر مطلبی را بی‌چون‌وچرا نپذیرد، بتواند میان واقعیت و ادعا تمایز قائل شود، شواهد را بررسی کند، از زوایای گوناگون به موضوعات بنگرد و با استدلالی روشن به نتیجه برسد. در کنار آن، خلاقیت نیرویی است که ذهن را از تکرار و قالب‌های از پیش تعیین‌شده رها می‌سازد و امکان آفرینش راه‌های نو را فراهم می‌کند. هنگامی که این دو توانایی در یک محیط آموزشی پویا و حمایت‌گر پرورش یابند، زمینه برای نوآوری به عنوان تجلی عملی اندیشه‌های تازه فراهم می‌شود.

کتاب حاضر تلاشی است برای فراهم آوردن چارچوبی نظری و عملی برای کسانی که دغدغه تحول در آموزش دارند؛ از مدیران و برنامه‌ریزان آموزشی گرفته تا معلمان، پژوهشگران، دانشجویان علوم تربیتی و همه علاقه‌مندانی که به آینده مدرسه می‌اندیشند. امید آن است که مباحث این اثر بتواند زمینه‌ای برای گفت‌وگو، بازاندیشی و اقدام مؤثر در جهت ساختن مدارس فراهم آورد که در آن‌ها یادگیری نه یک وظیفه تحمیلی، بلکه تجربه‌ای معنادار، لذت‌بخش و سازنده باشد.

امید است این اثر بتواند گامی هرچند کوچک در مسیر فهم عمیق‌تر این ضرورت و تحقق آن در محیط‌های آموزشی باشد.

مقدمه

تندباد تغییرات شتابان فناوری، اقتصادی و اجتماعی در عصر حاضر، مرزهای سنتی دانایی و توانایی را درنوردیده و جوامع بشری را با افق‌هایی نو و در عین حال چالش‌هایی بی‌سابقه روبه‌رو ساخته است. در این روزگار دگرگونی‌های مداوم، دانش دیگر پدیده‌ای ایستا، انحصاری و محدود به صفحات کتاب‌های درسی نیست که بتوان آن را به سادگی از نسلی به نسل دیگر منتقل کرد، بلکه جریان سیالی است که هر لحظه نو می‌شود و ابعاد جدیدی به خود می‌گیرد. مواجهه با این حجم بیکران از داده‌ها و اطلاعات، نیازمند ذهن‌هایی ورزیده است که توانایی غربالگری، سنجش و بازآفرینی داشته باشند، نه ذهن‌های منفعلی که تنها به انباشت و تکرار آموخته‌ها بسنده می‌کنند. با این حال، نگاهی به ساختار حاکم بر بسیاری از نظام‌های آموزشی نشان می‌دهد که هنوز هم الگوهای سنتی حفظ‌محور و شیوه‌های انتقال یک‌سویه اطلاعات، بخش عمده‌ای از جریان یادگیری را به خود اختصاص داده‌اند. این شکاف عمیق میان نیازهای واقعی دنیای امروز و آنچه در کلاس‌های درس سنتی می‌گذرد، ضرورت بازاندیشی بنیادین در فلسفه، کارکرد و ساختار مدرسه را بیش از هر زمان دیگری آشکار می‌سازد. مدرسه در دنیای نوین دیگر نمی‌تواند صرفاً کارخانه تولید دانش‌آموختگان هم‌شکل و مطیع باشد که فرمول‌ها و حقایق علمی را بدون درک عمیق حفظ می‌کنند، بلکه باید به بستری پویا، زنده و الهام‌بخش تبدیل شود که در آن استعدادهای منحصر به فرد هر دانش‌آموز کشف و شکوفا گردد.

تبدیل مدرسه به محیطی خلاق و نوآور، یک انتخاب فانتزی یا تجملی برای نظام‌های آموزشی نیست، بلکه ضرورتی حیاتی برای بقا، پیشرفت و توسعه پایدار هر جامعه است که غفلت از آن پیامدهای جبران‌ناپذیری به همراه خواهد داشت. برای دستیابی به چنین تحول شگرفی، نخستین گام، باز تعریف مفهوم یادگیری و تغییر نگرش کارگزاران آموزشی نسبت به توانمندی‌های دانش‌آموزان است. یادگیری واقعی زمانی رخ می‌دهد که دانش‌آموز به جای پذیرنده انفعالی، خود به کاوشگر و آفریننده دانش تبدیل شود و این امر ممکن نمی‌گردد مگر

با مجهز کردن او به ابزارهای فکری کارآمد. در میان این ابزارها، تفکر نقادانه به عنوان ستون خیمه اندیشه‌ورزی، نقشی بی‌بدیل در مصون‌سازی ذهن در برابر هجوم اخبار نادرست و باورهای نسنجیده ایفا می‌کند. تفکر نقادانه یا همان سنجش‌گری غایتمند، به دانش‌آموزان می‌آموزد که چگونه بپرسند، چگونه شواهد را ارزیابی کنند و چگونه روابط علت و معلولی پدیده‌ها را به شیوه‌ای منطقی تحلیل نمایند. کلاسی که در آن تفکر نقادانه ارزش شمرده می‌شود، فضایی است سرشار از پرسش‌های بنیادی، چالش‌های ذهنی شاداب و گفتگوهای استدلالی که در آن هیچ نظری بدون دلیل پذیرفته یا رد نمی‌شود. در کنار این مهارت تحلیلی، خلاقیت به عنوان توانایی دیدن پدیده‌ها از زوایای جدید و یافتن راه‌حل‌های غیرمعمول برای مسائل، بال دیگر پرواز ذهن در آسمان دانایی است. خلاقیت ریشه در کنجکاوای طبیعی کودکان دارد؛ کنجکاوای گران‌بهایی که متأسفانه اغلب در چرخ‌دنده‌های آموزش‌های کلیشه‌ای و آزمون‌های استاندارد یکنواخت به مسلخ کشیده می‌شود.

احیای این توانایی فطری در محیط آموزشی نیازمند ایجاد فضایی امن است؛ فضایی که در آن خطر کردن فکری تشویق شود، اشتباه کردن به عنوان بخشی طبیعی و ضروری از فرآیند یادگیری پذیرفته شود و تفاوت در دیدگاه‌ها به عنوان یک فرصت غنی‌سازی تلقی گردد. وقتی تفکر نقادانه و خلاقیت به عنوان دو نیروی مکمل در ذهن دانش‌آموز پیوند می‌خورند، موتور محرک نوآوری به کار می‌افتد. نوآوری تجلی ملموس، عملی و کاربردی خلاقیت در بهبود کیفیت زندگی و حل مسائل واقعی است. در اتمسفر یک مدرسه نوآور، دانش‌آموزان می‌آموزند که ایده‌های ذهنی خود را رها نکنند، بلکه با پشتکار، کار گروهی و طراحی نمونه‌های اولیه، آن‌ها را به طرح‌ها و دستاوردهای واقعی تبدیل سازند. چنین رویکردی روحیه کارآفرینی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اعتمادبه‌نفس مربیان و شاگردان را به شدت تقویت می‌کند. با این حال، تحقق این اهداف والا تنها با شعار دادن یا افزودن چند درس جدید به برنامه هفتگی ممکن نیست، بلکه نیازمند بازطراحی همه‌جانبه کل اکوسیستم مدرسه است. این تحول ساختاری باید در چهار لایه اصلی یعنی الگوهای ذهنی معلمان، روش‌های تدریس و ارزشیابی، معماری و فضای فیزیکی مدرسه، و در نهایت فرهنگ سازمانی و تعامل با خانواده‌ها رخ دهد.

معلم‌ان به عنوان خط مقدم این دگرگونی، نیازمند رهایی از نقش سنتی دانای کل و پذیرش نقش جدید خود به عنوان تسهیل‌گر، مربی و همیار پژوهش هستند. آنان باید بیاموزند که چگونه به جای پاسخ دادن به پرسش‌ها، دانش‌آموزان را به سمت یافتن پاسخ هدایت کنند و چگونه کلاس درس را به کارگاهی برای تمرین زندگی گروهی و حل مسئله تبدیل نمایند. روش‌های ارزشیابی نیز باید از سنجش حافظه کوتاه‌مدت به سمت سنجش فرآیند تفکر، تلاش و خلاقیت دانش‌آموز حرکت کنند تا نمره آزمون پایانی، تنها معیار سنجش ارزش‌های یک انسان قلمداد نشود. افزون بر این، فضای فیزیکی و معماری مدرسه نیز باید پیامی از پویایی، زیبایی و انعطاف‌پذیری را به مخاطب مخابره کند.

فصل اول

بنیان‌های مدرسه خلاق و نوآور

مفهوم بنیادین مدرسه در دوران معاصر از قالب یک فضای بسته برای انتقال اطلاعات به سوی ساختاری پویا و زنده تغییر جهت داده است که در آن پرورش قوای ذهنی بر انباشت داده‌های خام ارجحیت دارد. بنیان‌های یک مرکز آموزشی نوآور بر این اصل استوار شده که ذهن دانش‌آموز نباید به مثابه مخزنی برای تکرار مطالب گذشته باشد بلکه باید همچون آزمایشگاهی برای تحلیل و ترکیب ایده‌های بدیع عمل کند. این دگرگونی بنیادین نیازمند بازنگری در تمامی ارکان نظام تعلیم و تربیت است تا بستری فراهم شود که در آن استعدادهای فردی به جای سرکوب شدن در چارچوب‌های سخت به شکوفایی و بالندگی برسند. تحول در مبانی فکری مدیران و مربیان نخستین گام در مسیر ایجاد اتمسفری است که در آن خلاقیت به عنوان یک ضرورت زیستی و نه یک فعالیت فوق برنامه نگریسته می‌شود. با استقرار این نگاه نوین کانون مدرسه به مرکز جوشش فکری مبدل می‌گردد که خروجی آن انسان‌هایی کل‌نگر و توانمند در گره‌گشایی از مسائل پیچیده زندگی خواهند بود.

محیط فیزیکی و اتمسفر روانی مدرسه باید به شکلی بازطراحی شود که حس کنجکاوی را در نهاد یادگیرنده بیدار نگه داشته و وی را به تجربه کردن بدون هراس از قضاوت‌های بازدارنده ترغیب نماید. معماری فضاهای آموزشی در این پارادایم نوین از حالت خشک و اداری خارج شده و به مکان‌هایی انعطاف‌ناپذیر تبدیل می‌گردد که تعاملات اجتماعی و مشارکت‌های گروهی را به شکلی ارگانیک تسهیل می‌کنند. امنیت روانی از ستون‌های اصلی این بنا به شمار می‌رود زیرا تنها در سایه آرامش و اعتماد متقابل است که ذهن جرات می‌یابد از مرزهای

دانش موجود فراتر رفته و به عرصه‌های ناشناخته قدم بگذارد. زمانی که اشتباه کردن به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از فرایند یادگیری و رشد پذیرفته شود دانش‌آموزان با شهامت بیشتری به ارائه نظرات متمایز خود می‌پردازند و بدین ترتیب روحیه نوآوری در رگ‌های مدرسه جریان می‌یابد. ایجاد چنین فضایی مستلزم حذف رقابت‌های فرساینده و جایگزینی آن با فرهنگ همیاری است تا هر فرد بر اساس توانمندی‌های منحصر به فرد خود در مسیر تعالی گام بردارد.

نقش مربی در مدرسه نوآور از یک سخنران و انتقال دهنده صرف به یک تسهیل‌گر و راهنمای صبور تغییر یافته و او به جای ارائه پاسخ‌های قطعی دانش‌آموز را در مسیر دشوار کشف حقیقت همراهی می‌کند. مربیان حرفه‌ای در این نظام با بهره‌گیری از شیوه‌های تدریس فعال بستری می‌سازند که در آن تفکر مستقل و نقادانه به اصلی‌ترین ابزار یادگیری و درک جهان پیرامون تبدیل می‌شود. این دگرگونی در روش‌های یاددهی باعث می‌گردد که دانش‌آموزان به جای پذیرش منفعلانه گزاره‌ها به کالبدشکافی ریشه‌ای پدیده‌ها بپردازند و از زوایای گوناگون به چالش‌ها بنگرند. استفاده از پروژه‌های چندرشته‌ای و پیوند دادن دروس نظری با واقعیت‌های بیرونی به یادگیری معنای تازه‌ای می‌بخشد و انگیزه درونی برای دانستن را در وجود دانش‌آموز همواره زنده نگاه می‌دارد. در واقع مدرسه خلاق مکانی است که در آن طرح پرسش‌های درست ارزشمندتر از یافتن پاسخ‌های سریع تلقی شده و این رویکرد سنگ‌بنای پیشرفت‌های بزرگ در عرصه‌های علمی است. برنامه‌ریزی درسی در این الگو نباید به مرزهای سنتی علوم محدود بماند بلکه باید با ایجاد پیوندهای عمیق میان رشته‌ای ذهن را برای درک الگوهای پنهان در پدیده‌های گوناگون مهیا سازد. درونی‌سازی اصول منطق و قواعد استدلال در ساختار آموزشی به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا در مواجهه با انبوه اطلاعات عصر حاضر به شکلی هوشمندانه حقیقت را از ادعاهای باطل تشخیص دهند. این بنیان‌های فکری سبب می‌شوند که فرد نه تنها در دوران تحصیل بلکه در تمام مراحل زندگی به عنوان یک تحلیل‌گر

دقیق و صاحب‌نظر در عرصه‌های مختلف اجتماعی ظاهر شود. تلفیق هنر و ادبیات با علوم تجربی و ریاضیات باعث ایجاد توازن در رشد ابعاد گوناگون مغز شده و زمینه‌ساز بروز جرقه‌های نبوغ در ذهن‌های جوان و مستعد می‌گردد. تمرکز بر مهارت‌های نرم همچون تاب‌آوری و انعطاف‌پذیری در مواجهه با چالش‌های غیرمنتظره بخشی جدایی‌ناپذیر از برنامه‌های پنهان در مدارس پیشرو است که آینده‌سازان را برای دنیایی متغیر آماده می‌سازد.

نهادینه‌سازی فرهنگ نوآوری در ساختار مدرسه مستلزم مشارکت فعال تمامی ذینفعان از جمله خانواده‌ها و نهادهای مدنی است تا پیوندی ناگسستنی میان آموزش و نیازهای واقعی جامعه برقرار شود. این هم‌افزایی سبب می‌گردد که مدرسه از یک نهاد منزوی به یک موجودیت پویا و تاثیرگذار در متن اجتماع تبدیل شود که همواره در حال بازتولید ایده‌های تازه برای بهبودی است. پایداری این تحول بزرگ در گرو ارزیابی‌های مستمر و بازخوردهای سازنده‌ای است که به جای تمرکز بر رتبه‌بندی‌های عددی بر روند رشد و تعالی فردی دانش‌آموزان تاکید فراوان دارند. در نهایت غایت اصلی مدرسه خلاق پرورش نسلی است که با تکیه بر تفکر نقاد و روحیه نوآور به دنبال بهسازی جهان پیرامون خود باشد و مسئولیت‌پذیری را سرلوحه تمام اقدامات خویش قرار دهد. با تقویت این زیرساخت‌های فکری و اجرایی است که می‌توان به ظهور تمدنی نوین و دانش‌بنیان امید داشت که در آن خلاقیت به عنوان والاترین سرمایه انسانی ارج نهاده می‌شود.

مفهوم مدرسه خلاق و نوآور

مفهوم اصیل و بنیادین مدرسه خلاق در دوران معاصر بر پایه بازتعریف نقش‌های سنتی و ایجاد فضایی پویا برای رشد همه‌جانبه ذهن استوار گردیده است. این الگوی نوین آموزشی تلاش می‌کند تا دیوارهای صلب آموزش‌های حافظه‌محور را فرو بریزد و به جای آن ساختاری منعطف و پاسخگو به نیازهای فردی بنا کند. در این رویکرد کلاس درس دیگر مکانی برای دیکته کردن مفاهیم از پیش تعیین شده نیست بلکه به کارگاهی پرجنب‌وجوش برای کشف

ناشناخته‌ها تبدیل می‌شود. مدیران و برنامه‌ریزان در این نظام نوآور باور دارند که هر دانش‌آموز دارای استعدادهای منحصر به فردی است که تنها در محیطی امن و بدون پیش‌داوری امکان بروز می‌یابند. از این رو تلاش می‌شود تا برنامه‌های درسی به گونه‌ای تنظیم شوند که به جای همسان‌سازی رفتارها به تفاوت‌های فردی احترام گذاشته شود. با تمرکز بر این اصول بنیانی مدرسه به کانون پویایی بدل می‌گردد که در آن اشتیاق به دانستن و میل به کشف حقایق جدید در صدر اهداف آموزشی قرار می‌گیرد.

تحقق این مفهوم نیازمند طراحی فضاهای فیزیکی متمایز و منعطفی است که تعاملات بین فردی و کارهای گروهی را به شکلی طبیعی میان دانش‌آموزان ترویج نماید. چیدمان کلاس‌ها در مدرسه نوآور از حالت ردیفی و یک‌سویه خارج شده و به شکل باز و مشارکتی تغییر می‌یابد تا گفت‌وگو و تبادل نظر به سهولت انجام پذیرد. این دگرگونی در معماری آموزشی به دانش‌آموزان امکان می‌دهد که در فضاهای عمومی به بحث و تبادل اندیشه بپردازند و پروژه‌های مشترک را با همفکری پیش ببرند. علاوه بر جنبه‌های ظاهری اتمسفر عاطفی حاکم بر مدرسه نیز باید سرشار از پذیرش و حمایت باشد تا یادگیرنده جرات ابراز عقاید متفاوت خود را داشته باشد. زمانی که ترس از تمسخر یا تنبیه ناشی از اشتباه کردن در محیط آموزشی از بین برود ذهن پویای نوجوانان با شهامت بیشتری به سمت ایده‌های نوین حرکت می‌کند. این امنیت روانی پیش‌نیاز اصلی بروز رفتارهای خلاقانه و ابداعات جسورانه در تمامی مقاطع تحصیلی به شمار می‌رود.

در این الگوی پیشرو نقش مربیان نیز به طور کامل بازآفرینی شده و آنان از جایگاه متکلم وحده به راهنمایان و تسهیل‌گران مسیر دانایی ارتقا یافته‌اند. معلمان در مدرسه خلاق به جای ارائه فرمول‌های آماده و پاسخ‌های نهایی یادگیرندگان را با پرسش‌های چالش‌برانگیز مواجه می‌کنند تا خود به کشف روابط میان پدیده‌ها دست یابند. این روش تفکر مستقل را تقویت کرده و به دانش‌آموزان می‌آموزد که چگونه با مسائل پیچیده روبرو شوند و راه‌حل‌های گوناگون

را ارزیابی کنند. مربی با ایجاد فرصت‌های برابر برای اظهار نظر به کودکان یاد می‌دهد که به دیدگاه‌های دیگران احترام بگذارند و در عین حال افکار خود را به روشی منطقی بیان کنند. این تعامل دوجانبه رابطه‌ای صمیمانه و مبتنی بر احترام متقابل میان معلم و شاگرد ایجاد می‌کند که خود انگیزه‌ای قوی برای یادگیری عمیق است. در واقع مربیان در این سیستم خود همواره در حال یادگیری و نوآوری هستند و الگویی زنده برای دانش‌آموزان به شمار می‌روند.

برنامه‌های آموزشی در مدرسه نوآور مرزهای خشک میان رشته‌های مختلف علمی را از میان برمی‌دارند و با تلفیق هنر و علوم تجربی زمینه‌ساز درک عمیق‌تر مفاهیم می‌شوند. پیوند دادن مطالب کتاب‌های درسی با مسائل واقعی جامعه و زندگی روزمره به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا فایده عملی آموخته‌های خود را به وضوح درک کنند. این رویکرد کاربردی انگیزه درونی برای مطالعه و پژوهش را افزایش داده و مانع از خستگی و دلزدگی یادگیرندگان از آموزش‌های تئوریک محض می‌گردد. استفاده از ابزارهای دیداری و شنیداری و همچنین انجام آزمایش‌های کاربردی و کارهای دستی بخشی از برنامه‌های روزانه این مدارس را تشکیل می‌دهند. این تنوع در شیوه‌های انتقال مفهوم سبب می‌شود که سبک‌های مختلف یادگیری در میان دانش‌آموزان پوشش داده شده و هیچ استعدادی به دلیل عدم تطابق با روش تدریس نادیده گرفته نشود. پرورش مهارت‌های اجتماعی مانند همدلی و کار گروهی در کنار مباحث علمی از اولویت‌های اصلی این برنامه جامع است.

بخش پایانی و کلیدی در هویت‌بخشی به مدرسه خلاق تغییر در شیوه‌های ارزشیابی و سنجش عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان بدون تکیه بر آزمون‌های سنتی است. در این ساختار نوین نمره‌های عددی جای خود را به توصیف‌های کیفی و بررسی روند رشد تدریجی و تلاش‌های مستمر هر فرد در طول سال تحصیلی می‌دهند. این تغییر نگرش اضطراب ناشی از امتحانات پایانی را به شدت کاهش داده و تمرکز یادگیرنده را بر روی خود فرایند یادگیری و بهبود مستمر معطوف می‌سازد. ارزیابی‌ها در اینجا به منظور کشف نقاط قوت و ضعف و ارائه